

## Presenting the budget allocation model of the law of balanced use of the country's facilities in different provinces of Iran (MADM Approach)

Mohammad Ghaffari Fard<sup>1</sup>, Khalil Allah Entezar<sup>2</sup>

<sup>1</sup>Assistant Professor, Ahlul Bayt International University, Tehran, Iran

mghaffaryfard@abu.ac.ir

<sup>2</sup>MA Student in Economics, Ahlul Bayt International University, Tehran, Iran

khalilentizar130@gmail.com

Received: 2022/06/08 Accepted: 2022/08/16

### Abstract

Credit distribution among different regions in the country is of great importance in order to create regional balance in the economic literature and among economic policymakers. One of the goals of this article is to present a model that can distribute the credits of the law on the balanced use of the country's facilities among the regions, which will form a balance between the regions. Therefore, by using the Expert Choice software, the weight and degree of importance of affairs, sections and sub-sections of the law are calculated based on the method of hierarchical analysis from the point of view of experts, and then the degree of importance or the weight of the allocation of the budget for the year (2019) in affairs, sections The ministers of the departments have been compared with the opinion of experts. The results of the research show that infrastructural matters with an importance level of (0.5) have the highest weight and have a higher importance than other matters, and from the point of view of credit allocation, they are ranked first, and economic matters have a weight of (0.356), ranked second, and social and cultural affairs with weight (0.144) ranked last. Also, using the budget data allocated in the provinces in the year (2019), the infrastructural affairs have a weight of (0.66) with a value of (0.166) difference, with the infrastructure affairs obtained according to experts, and economic affairs have a weight of (0.013) with a difference of (0.343) and social and cultural affairs with a weight of (0.321) and a difference of (0.177) with reality. According to the above results, if the government allocates credits based on this research, it can expect the process of regional balance to accelerate.

**Keywords:** Budget distribution, Hierarchical analysis, Law of balanced use of the country's facilities.

## ارائه الگوی تخصیص بودجه قانون استفاده متوازن از امکانات کشور در استان‌های مختلف ایران (رویکرد تصمیم‌گیری چند معیاره)

محمد غفاری فرد<sup>۱</sup>، خلیل‌اله انتظار<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>استادیار گروه علوم اقتصادی، دانشگاه بین‌المللی اهل بیت (ع)، تهران، ایران

mghaffaryfard@abu.ac.ir (نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup>دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه بین‌المللی اهل بیت (ع)، تهران، ایران

khalilentizar130@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۵

### چکیده

توزیع اعتبارات بین مناطق مختلف در کشور جهت ایجاد تعادل و توازن منطقه‌ای در ادبیات اقتصادی و در بین سیاست‌گذاران اقتصادی از اهمیت بالایی برخوردار است. ارائه الگویی که بتوان اعتبارات قانون استفاده متوازن از امکانات کشور را بین مناطق توزیع کرد که توازن بین مناطق را شکل دهد از اهداف این مقاله است. بنابراین با استفاده از نرم‌افزار اکسپرت چویس وزن و درجه اهمیت امور، بخش و زیربخش‌های قانون بر اساس روش تحلیل سلسله مراتبی از دیدگاه خبرگان محاسبه می‌شود و سپس درجه اهمیت یا وزن تخصیص توزیع بودجه سال (۱۳۹۸) در امور، بخش‌ها و زیر بخش‌ها با نظر ۹ نفر از خبرگان مقایسه شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که امور اقتصادی با درجه اهمیت (۰ ۴۳۸) نسبت به سایر امورات دیگر دارای بیشترین وزن و از اهمیت بالاتری برخوردار بوده و از نگاه تخصیص اعتبارات در رتبه اول قرار می‌گیرد و امور زیربنایی دارای وزن (۰ ۳۹۶)، در رتبه دوم قرار گرفته و همچنان امور اجتماعی و فرهنگی دارای وزن (۰ ۱۶۶) در رتبه آخر قرار گرفته است. همچنین با استفاده از داده‌های بودجه تخصیص‌یافته شده در استان‌ها در سال (۱۳۹۸)، امور زیر بنایی دارای وزن (۰ ۶۷) با مقدار (۰ ۲۷) تفاوت، با امور زیربنایی به‌دست‌آمده از نظر خبرگان و امور اقتصادی دارای وزن (۰ ۰۱۳) با تفاوت (۰ ۴۲) و همچنان امور اجتماعی و فرهنگی با مقدار وزن (۰ ۳۲۱) و به میزان (۰ ۱۶) تفاوت با واقعیت به‌دست‌آمده است. با توجه به نتایج فوق اگر دولت تخصیص اعتبارات را مبتنی بر این پژوهش انجام دهد می‌تواند انتظار داشته باشد که روند توازن منطقه‌ای شتاب بیشتری بگیرد.

**واژگان کلیدی:** توزیع بودجه، اعتبارات، تحلیل سلسله مراتبی، قانون استفاده متوازن از امکانات کشور.

## ۱. مقدمه

بودجه یک ابزار اقتصادی برای بخش عمومی می‌باشد که با استفاده از این ابزار می‌توان نابرابری و ناتوانی‌هایی موجود در استان‌ها را کاهش داد. عدم تعادل استانی یا منطقه‌ای، آثار زیان‌آور بسیاری برای کشورها به وجود می‌آورد، مانند افزایش فرآیند تمرکزگرایی، افزایش بسترهای نارضایتی اقتصادی اجتماعی، افزایش روند مهاجرت و حاشیه‌نشینی، افزایش فرآیند واگرایی و مرکزگرایی در منطقه‌های مختلف، افزایش احساس تبعیض و فاصله طبقاتی، افزایش تخریب محیط‌زیست، عدم بهبود و عدم اشتغال و افزایش روند بیکاری و همچنین توزیع و تخصیص نامتوازن، سبب تخلیه جمعیت برخی از نقاط در استان‌های کشور می‌گردد.

رشد اقتصادی و توزیع عادلانه اعتبارات یا منابع، یکی از اهداف و وظایف دولت است که این اهداف زمانی تحقق می‌یابد که مناطق از نظر توسعه هم‌پا باشد و عملکرد اقتصادی آن کاهش یابد. بودجه یکی از ابزارهای دولت برای سیاست‌گذاری روی بخش‌های زیربنایی اقتصادی و اجتماعی است. از اعتبارات و بودجه یا منابع می‌توان به‌عنوان یک ابزار در بخش‌های عمومی و اقتصادی استفاده کرد تا نامتوانی‌ها را در ایران کاهش داد. بودجه یکی از اصلی‌ترین سند تخصیص منابع در یک جامعه برای پوشش دادن اهداف عالی و برنامه‌های دولت می‌باشد. در اقتصاد ایران سهم بسیار بزرگی از تخصیص مربوط به دولت می‌باشد. با توجه به موضوع و اهمیتی که تخصیص اعتبارات جهت رفع محرومیت‌زدایی و یا ایجاد توازن در استان‌هایی کشور دارد بررسی این موضوع بسیار مهم می‌باشد. لذا در پژوهش حاضر سعی شده است که با استفاده از روش (AHP) تحلیل سلسله مراتبی و جمع‌آوری پرسشنامه از خبرگان به بررسی این موضوع پرداخته شود که به هر کدام از امورها، بخش‌ها و زیر بخش‌های موجود چه میزان وزن یا درجه اهمیت از اعتبارات تخصیص داده شود تا توازن در استان‌ها برقرار گردد.

به عبارت دیگر هدف از این پژوهش این است که ما به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که: دولت با کدام الگوی، بودجه، منابع یا اعتبارات موجود را در استان‌ها تخصیص دهد تا در بین استان‌ها توازن برقرار گردد؟ سطح زندگی برخی از مردم نسبت به مردم استان‌های دیگر پایین‌تر است و رشدی کافی ندارد. لذا هدف از انجام این مقاله ارائه یک الگوی مناسب است تا بتواند منابع موجود یا اعتبارات را در استان‌ها طوری تخصیص دهد که در بین استان‌ها توازن ایجاد گردد و استان‌هایی که نسبتاً محروم بوده‌اند محرومیت‌زدایی گردد. در چارچوب مطالعه حاضر که بر اساس تخصیص اعتبارات به صورت توازن در استان‌ها می‌پردازد سعی شده است که با وزن‌دهی امورها، بخش‌ها و زیر بخش‌های موجود و دریافت اهمیت شاخص‌ها با استفاده از نرم‌افزار Expert Choice اعتبارات به چه میزان در کدام بخش‌ها تخصیص داده شود تا توازن در استان‌ها ایجاد گردد؛ و همچنین بر اساس آمار توزیع بودجه سال (۱۳۹۸) برای امور، بخش‌ها و

زیربخش‌ها نیز وزن تعیین گردیده است تا بتوانیم میزان تفاوت بین بودجه تخصیص داده‌شده را با نتیجه درجه اهمیت که از پرسشنامه‌ها توسط خبرگان به‌دست‌آمده است را مورد بررسی قرار دهیم. ساختار این پژوهش شامل پنج بخش می‌شود. بخش اول شامل مقدمه و بخش دوم شامل پیشینه پژوهش و بخش سوم مبانی نظری و بخش چهارم شامل روش پژوهش و یافته‌های پژوهش و در بخش پنجم شامل نتایج و ارایه پیشنهادات و منابع و مأخذ می‌شود، ارایه می‌گردد.

## ۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

نحوه تخصیص اعتبارات بودجه در استان‌ها توسط دولت برای محرومیت‌زدایی نقش بسیار مهمی دارد و همچنین باعث کاهش نابرابری در کشور شده و توسعه در کشور را به تعادل می‌رساند (ایزد خواستی، ۱۳۹۸). تخصیص بودجه نقش اساسی و بسیار مهم در تحقق اهداف و برنامه‌های سالانه یک دولت دارد اما به سبب نبود تجربه‌های آشکارا از حکومت‌های اسلامی در جامعه معاصر، اصول مبانی و معیارهایی تخصیص بودجه در دولت‌ها و سازمان‌ها ناشناخته باقی‌مانده است (خیلیان و همکاران، ۱۳۹۳). یک ابزار مهم برای رسیدن به اهداف هر کشور قانون بودجه است لذا پیگیری سیاست‌ها، کنترل فعالیت‌ها، برنامه‌ریزی، اصلاح و تعدیل نیز ابزارهای مؤثری در این بخش می‌باشند (آذر و قشقایی، ۱۳۸۹). بودجه‌ریزی به‌صورت بهینه یکی از نقش‌های مهم و بسیار اساسی دولت‌ها از دیرزمان به این سو می‌باشد که دولت طوری این بودجه‌ریزی را تخصیص دهد تا نابرابری‌ها کاهش یافته و سبب هم‌سطحی و توسعه‌یافتگی کشور گردد (آذر و همکاران، ۱۳۹۳). بودجه از مفاهیم و مقوله‌های سازمان‌دهی اقتصاد کشورها است. در دنیای امروز بودجه مهم‌ترین ابزار سیاست‌گذاری دولت‌ها و جامع‌ترین بیان اولویت‌های عمومی است. در حقیقت بودجه ابزاری برای رسیدن به اهداف برنامه است. بودجه‌ریزی همواره یکی از چالش‌های نظام‌های اقتصادی می‌باشد؛ و این مقوله در ایران نیز تاریخچه‌ای صدساله دارد. تاریخ حکایت از آن دارد که طی دوران مختلف، دولت‌های حاکم تا حدود زیادی تکیه بر کارشناسان بین‌المللی را مبنای تحولات ساختاری در بودجه قرار داده‌اند و تحولات زیادی در آن صورت پذیرفته است تا بودجه به جایگاه امروزی خود رسیده است. بودجه‌ریزی تفکری منسجم از منابع مالی محدود در برابر نیازهای نامحدود است، به‌طوری‌که ارتباطات ارگانیک و همه‌جانبه بین منابع مالی و غیرمالی لحاظ شده باشد. بودجه‌ریزی در اصل، تخصیص منابع است و ذاتاً نیازمند انتخاب و تعیین اولویت است. سیاست‌های بودجه‌ای در مفهوم گسترده، محل نزاع مدعیان رقیب برای تصمیم‌گیری در این باره است که چه مقدار از منابع محدود دولت باید در میان تعداد زیادی از اهداف ملی ضروری، تقسیم شوند (قاسم، ۱۳۸۱). نقش دولت در اقتصاد بعد از بوجود آوردن رکود بزرگ جهانی توسط کینز مورد توجه قرار گرفت. دولت به‌واسطه بکارگیری ابزارهای سیاست مالی می‌تواند نقش بزرگی در بهبود متغیرهایی کلان اقتصادی مثل تشکیل سرمایه، رشد اقتصادی، رشد اقتصادی، ثبات، اشتغال، مصرف، برابری و تجهیز و تخصیص درست

منابع را اجرا کند و از طرفی دخالت دولت می‌تواند نقش آن کارشناسان و اقتصاددانان به این نکته توجه کرده‌اند (محنت پور، ۱۳۹۴).

مطالعات انجام‌شده درباره الگوهای تخصیص اعتبارات و توازن در استان‌های مختلف نشان می‌دهد که تخصیص اعتبارات می‌تواند از دو نوع استراتژی تاکتیکی<sup>۱</sup> و برنامه‌ریزی<sup>۲</sup> انجام شود.

الگوی نظری در بخش باز توزیع تاکتیکی را لیند بک و ویبول<sup>۳</sup> (۱۳۸۷) و دیگریت و لاندراگان<sup>۴</sup> (۱۹۹۸) طراحی کرده‌اند. آن‌ها با فرض این‌که سیاست‌مداران و برنامه‌ریزان تمایل به حفظ و جایگاه خود هستند لذا آن‌ها منابع موجود را طوری در حوزه‌های انتخاباتی توزیع می‌کند که پیروزی در انتخابات تضمین شده باشد. مطالعات نشان می‌دهد که دولت‌مردان در بخش تخصیص منابع و بودجه به حوزه‌هایی توجه دارند که رأی‌دهندگان مردد دارد. (کاس، ۲۰۰۱). در مقابل این نظریه‌های گفته‌شده نظریه مدل کاکس و مک کوینز<sup>۵</sup> (۱۹۸۶) قرار دارد که بر این مبنا است. سیاست‌مداران ریسک‌گریزانند گرچه تمایل به انتخابات دارند ولی سرمایه‌های خود را درجایی سرمایه‌گذاری می‌کنند که رأی‌دهندگان مصمم ثابت و وفادار وجود دارد. در مقابل استراتژی تاکتیکی استراتژی برنامه‌ای وجود دارد که بودجه‌ریزی و سرمایه‌گذاری زیرساختی دولت بر اساس قالب باز توزیع تاکتیکی ناعادلانه است.

باز توزیع مبتنی بر برنامه، نیازمند به قواعد معین است. سؤال مطرح است که چه اصول و قواعدی برای باز توزیع برنامه‌ای منابع قابل‌تصور است؟

سوله<sup>۶</sup> - اوله<sup>۷</sup> (۲۰۰۹) دو نوع استراتژی را عنوان می‌کند: کارآیی محور و برابری محور. یکی ازین دو استراتژی می‌تواند اقدام به توزیع بودجه یا منابع کند حال تخصیص بودجه از نظر کارایی محور به مناطق است که در آنجا مصرف‌کنندگان بیشتری از زیرساخت‌ها دارند مانند (ماشین‌ها، کامیون و... به‌عنوان استفاده از جاده‌ها) که این نوع تخصیص بودجه بیشتر در استان‌هایی غنی و ثروتمند جامعه است. تخصیص بودجه از نظر برابری محور در مقابل کارایی محور، وجود دارد؛ در این نوع توزیع توجه دولت به سمت استان‌هایی کم درآمد جامعه است.

کاستلز<sup>۷</sup> - سوله اوله (۲۰۰۵) معتقدند که اگر در بخش توزیع قواعد کارایی محور حاکم باشد سرمایه‌گذاری زیرساخت‌ها متناسب با درآمد منطقه‌ای (تولید ناخالص منطقه‌ای) صورت می‌گیرد و اگر در بخش توزیع

<sup>1</sup> Tactical

<sup>2</sup> programmatical

<sup>3</sup> Lindbeck and Weibull

<sup>4</sup> Dixit and Londregan

<sup>5</sup> Cox and McCubbins

<sup>6</sup> Sole - ole

<sup>7</sup> Castells

اصول و قواعد برابری محور حاکم باشد سرمایه‌گذاری با تناسب کمتر یا حتی بالعکس نسبت‌های درآمدی به‌سوی مناطق کمتر توسعه‌سرازیر می‌گردد.

با توجه به تجربه بیش از ۳۰ سال از نظام سیاست‌گذاری توسعه و تعادل منطقه‌ای در ایران و عملکرد ماده ۱۸۰ قانون برنامه پنجم توسعه، مجلس شورای اسلامی قانون استفاده متوازن از امکانات کشور و توزیع عادلانه و رفع تبعیض و ارتقای سطح مناطق کمتر توسعه‌یافته و تحقق پیشرفت و عدالت (۱۳۹۳) در قالب ماده واحده تصویب کرد.

ماده واحده - در راستای تحقق اصل چهل و هشتم (۴۸) قانون اساسی و سیاست‌های کلی و جهت حصول به اهداف چشم‌انداز و به‌منظور استفاده متوازن از امکانات کشور و توزیع عادلانه و رفع تبعیض و ارتقای سطح مناطق کمتر توسعه‌یافته و تحقق پیشرفت و عدالت، دولت مکلف است در توزیع منابع عمومی و یارانه سود تسهیلات به نحوی عمل نماید که فاصله شاخص برخورداری شهرستان‌های کمتر از سطح متوسط کشور در شاخص‌های زیر، سالانه حداقل ده درصد (۱۰٪) به سطح متوسط کشوری نزدیک شود. بدین منظور دولت مکلف است سه درصد (۳٪) از اعتبارات بودجه عمومی دولت را در قالب ردیف مشخص تحت همین عنوان تعیین کند و طی جدولی که در آن سهم هر استان بر اساس شاخص‌های نرخ بیکاری، آب شرب شهری و روستایی، آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، بهسازی روستاها، راه و زیرساخت‌های جاده‌ای، سرانه‌های عمران شهری و درآمد شهرداری‌ها مشخص می‌گردد، در قانون بودجه درج نماید. سهم هر شهرستان برای بهبود شاخص‌های مذکور همراه با دستورالعمل توزیع پروژه‌ها و طرح‌های موارد فوق، هم‌زمان با ابلاغ اعتبارات استانی توسط معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور به استان ابلاغ می‌شود تا با تصویب کمیته برنامه‌ریزی شهرستان به طرح‌ها و پروژه‌های موضوع شاخص‌های فوق اختصاص یابد» (قانون استفاده متوازن از امکانات کشور، ۱۳۹۳). در سال ۱۳۹۴ قانون اصلاح قانون استفاده متوازن از امکانات کشور برای ارتقای سطح مناطق کمتر توسعه‌یافته به‌صورت زیر اصلاح شد:

ماده‌واحد - در متن ماده واحده قانون استفاده متوازن از امکانات کشور برای ارتقای سطح مناطق کمتر توسعه‌یافته مصوب ۱۳۹۳/۷/۳۰ عبارت «و فضاهای فرهنگی، مذهبی، ورزشی» بعد از عبارت «درآمد شهرداری‌ها» و عبارت «شهری، روستایی و حسب مورد عشایری» بعد از عبارت «طرح‌ها و پروژه‌های» اضافه می‌شود.

پس از ابلاغ قانون استفاده متوازن از امکانات کشور (مصوب ۹۳/۷/۳۰) و اصلاحیه آن (مصوب ۹۴/۷/۲۱) و در اجرای ماده‌واحد این قانون ردیف ۴۸-۵۵۰۰۰۰ با عنوان اعتبارات قانون استفاده متوازن از امکانات کشور و توزیع عادلانه و رفع تبعیض و ارتقای مناطق کمتر توسعه‌یافته در جدول ۹ ماده‌واحد قانون بودجه ۱۳۹۵ درج و متناظر آن اعتبار ۵۰۰ ۹۱ میلیارد ریال در جدول ۱-۱۰ ماده‌واحد منظور گردید. از این اعتبار ۵۰ ۷۰۰ میلیارد ریال به‌عنوان اعتبارات استانی و ۳۳ ۸۰۰ میلیارد ریال به‌عنوان اعتبارات ملی و استانی

ویژه به ترتیب برای طرح‌های استانی و برای طرح‌های پیوست شماره (۱) قانون بودجه به تصویب قانون‌گذار رسیده است. توزیع استانی این اعتبارات و سایر منابع اعتباری شامل تملک دارائی‌های سرمایه‌ای و ۳ درصد درآمد حاصل از صادرات نفت خام و گاز طبیعی در جدول ۱-۱۰ درج شد. همچنین در اجرای ماده‌واحد قانون مذکور، موضوع ابلاغ دستورالعمل توزیع پروژه‌ها و طرح‌ها، نحوه توزیع اعتبارات این قانون، در بخش نهم دستورالعمل اجرای بودجه و تنظیم موافقت‌نامه‌های هزینه‌ای و تملک دارائی‌های سرمایه‌ای سال ۱۳۹۵ ابلاغ گردید. این بخش از دستورالعمل حاوی شاخص‌های مرتبط، متوسط مقادیر کشوری مرتبط با بخش‌های مندرج در قانون، عملیات مجاز، فرآیند اجرا و جداول و شیوه‌نامه نظارت بر هزینه کرد می‌باشد. با توجه به تفکیک اعتبارات استانی و اعتبارات ملی و استانی ویژه این قانون در جدول ۱-۱۰ ماده واحد، اعتبارات استانی به شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان ابلاغ می‌شود تا با رعایت بخش‌های مجاز و مقادیر متوسط شاخص‌ها سهم هر شهرستان توسط شورا تعیین و کمیته برنامه‌ریزی شهرستان نسبت به انتخاب پروژه‌ها و طرح‌ها اقدام نماید. اعتبار مصوب هر استان از محل ستون ملی قانون استفاده متوازن با پیشنهاد استان و تأیید سازمان برنامه‌بودجه کشور به طرح‌های ملی و استانی ویژه مرتبط با بخش‌های مجاز ابلاغ گردید. در قانون بودجه ۱۳۹۶، ردیف ۴۷-۵۵۰۰۰۰ در جدول ۹ ماده‌واحد به اعتبارات قانون استفاده متوازن از امکانات کشور اختصاص یافت و در جدول ۱-۱۰ اعتبار ۴۷۴ ۱۱۷ میلیارد ریال به تفکیک ۹۹۴ ۷۴ میلیارد ریال برای اعتبارات استانی و ۴۸۰ ۳۵ میلیارد ریال برای طرح‌های ملی و استانی ویژه به تفکیک استان درج گردید. فرآیند توزیع، اجرا و نظارت بر اعتبارات موضوع این قانون در بودجه ۱۳۹۶ همانند سال ۱۳۹۵ در بخش نهم دستورالعمل اجرای بودجه و تنظیم موافقت‌نامه‌های هزینه‌ای و تملک دارائی‌های سرمایه‌ای سال ۱۳۹۶ درج شد.

فرآیند توزیع، اجرا و نظارت بر این اعتبارات مشابه سال ۱۳۹۶ در بخش هشتم دستورالعمل اجرای بودجه و تنظیم موافقت‌نامه‌های هزینه‌ای و تملک دارائی‌های سرمایه‌ای سال ۱۳۹۷ آورده شده است. با توجه به مشمول شدن دانشگاه‌ها، پارک‌های علم و فناوری و جهاد دانشگاهی طبق بند ز «تبصره ۹ قانون بودجه ۱۳۹۷، استان‌ها مجاز به پیشنهاد این طرح‌ها از پیوست شماره (۱) قانون بودجه ۱۳۹۷ شدند. در بند و تبصره ۹ قانون بودجه ۱۳۹۸ علاوه بر بخش‌های مندرج در بودجه سال ۱۳۹۷، طرح‌های مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای نیز مجاز به استفاده از این اعتبارات شدند. در دستورالعمل اجرای بودجه سال ۹۸، علاوه بر اعلام مقادیر متوسط شاخص‌های مرتبط با بخش‌های مجاز، فصل، برنامه و طرح‌های متناظر در جدول یک پیوست شماره (۲) مشخص شد. همچنین در اجرای ماده‌واحد قانون مذکور موضوع تکلیف دولت به ارتقای سالانه ۱۰ درصدی شاخص‌های برخورداری شهرستان‌های کمتر برخوردار از متوسط کشوری، جدول شهرستان‌ها مشمول به تفکیک استان در پیوست شماره (۶) دستورالعمل آورده شده است.

در تحقیقات انجام شده، نمازی و کمالی در سال (۱۳۸۱) نحوه تخصیص بودجه عمرانی را برای استان فارس و به شهرستان‌های آن از روش برنامه‌ریزی آرمانی از سال (۱۳۷۵ الی ۱۳۷۹) بررسی کردند که در نتیجه پژوهش آن‌ها نشان دهنده این است که روش استفاده‌شده موجود، تخصیص بهینه بودجه نیست. منظری حصار و محقر (۱۳۸۴) مقاله‌ای را تحت عنوان به‌کارگیری الگویی برای تخصیص اعتبارات محرومیت‌زدایی در استان خراسان بر اساس داده‌های سال (۱۳۸۱) برای بهینه‌سازی تخصیص اعتبارات و محرومیت‌زدایی به شهرستان‌های استان بر اساس ایجاد یک مدل رابطه ریاضی، ترتیب داد. آن‌ها نهایتاً با تعیین اهمیت و وزن شاخص‌ها توزیع اعتبارات عمرانی استانی فاصله وضع موجود را مشخص و ضریب محرومیت را تعیین نمودند.

رجبی (۱۳۹۱) به بررسی تخصیص بهینه منابع مالی وزارت بهداشت در استان‌ها با بکارگیری روش برنامه‌ریزی آرمانی پرداخت؛ که در نتیجه روش پیشنهاد شده وی بر اساس تخصیص بهینه بودجه در استان‌ها سبب ایجاد عدالت و توازن در بین استان‌ها شده است.

میر شجاعیان حسینی و رهبر (۱۳۹۱) به تحلیل الگوی اقتصاد سیاسی تخصیص بهینه بودجه‌هایی استانی در ایران با استفاده از مدل داده‌های تلفیقی از سال (۱۳۷۹-۱۳۸۶) پرداختند در پژوهش ایشان دو متغیر اقتصادی و سیاسی روی تخصیص بودجه مؤثر است که متغیر اولی دارای رابطه منفی و متغیر سیاسی نیز دولت در موقع انتخابات ریاست جمهوری، بودجه‌ریزی بیشتری را به استان‌های با مشارکتی انتخاباتی کم‌تر و به مناطق که مردم در انتخاب‌اند تخصیص می‌دهند. در نتیجه رفتار بودجه‌ریزی استانی در ایران کارایی محور است نه برابری محور.

آذر و همکاران (۱۳۹۳) با استفاده از مدل ترکیبی برنامه‌ریزی آرمانی فازی و تحلیل پوششی داده‌ها به پژوهش و بررسی تخصیص اعتبارات دانشگاهی پرداختند نتایج حاصله ایشان بیان‌گر بهبود کارایی این مدل در تخصیص بودجه است. به‌طوری‌که با صرف حداقل بودجه به دستیابی آرمان‌ها و تابع هدف صورت می‌گیرد.

قاسم و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی نحوه توزیع بودجه تملک دارایی‌های سرمایه‌ای استانی با استفاده از روش داده‌های تابلویی طی دوره (۱۳۷۹ الی ۱۳۹۰) پرداختند. نتیجه پژوهشات آن‌ها مبین این است که متغیرهای موجود در پژوهش مرتبط با رویکرد سیاست محور تاکتیکی اثر مثبت و منفی دارایی بر بودجه تملک سرمایه‌ای داشته‌اند.

رحیمی (۱۳۹۴) موضوع یک رویکرد AHP فازی چند معیاره برای حل مشکل تخصیص بودجه را با استفاده از روش AHP، عوامل مؤثر بر مشکل تخصیص بودجه را شناسایی نمود که شامل چهار معیار عبارت‌اند از محرک‌های مشارکت، امور فنی، مالی و تخصص و قابلیت مدیران هست که این چهار معیار



دارای ده زیر معیار می‌باشد. در نتیجه پژوهش رحیمی توسعه منابع انسانی بیشترین وزن و درجه اهمیت را برای تخصیص بودجه به خود اختصاص داده است.

اسمعیل زاده و معصومی (۱۳۹۴) به بررسی تحلیل عدالت فضایی شهرستان‌های استان اردبیل پژوهشی را پیرامون بخش بهداشتی و درمانی از روش مدل ویکور انجام دادند. نتیجه‌ای بررسی این است که در استان اردبیل، خدمات بهداشتی و درمانی به صورت درست و مناسب و عادلانه توزیع نشده است.

رحمانی فضلی و عرب مازار (۱۳۹۵) بر اساس مدل برنامه‌ریزی آرمانی جهت تخصیص بهینه بودجه استانی، منابع بودجه را برای تحقق آرمان‌ها ارائه کردند، ایشان به منظور توازن در استان‌های مختلف و نابرابری‌ها پیشنهاد می‌کنند که بودجه را به تناسب سهم به استان‌های کمتر توسعه یافته تخصیص داده شود.

محسن پور با همکاران (۱۳۹۵) در مورد اولویت‌بندی و تخصیص بهینه اعتبارات بانک کشاورزی به تفکیک استان‌ها برای دوره زمانی (۱۳۸۹-۱۳۹۰) محاسبه نموده با استفاده از روش آنتروپی و وزن شاخص‌های مربوط برای اولویت‌بندی پژوهش در استان‌ها از روش تاپسیس به کار گرفته و در نهایت از روش برنامه‌ریزی آرمانی برای تخصیص اعتبارات استفاده شده و نتایج نشان می‌دهد که تخصیص اعتبارات در بانک کشاورزی بهینه نیست.

رسول، استحلجی و شریعت پناهی (۱۳۹۷) پژوهشی را پیرامون رتبه‌بندی سکونت‌گاه‌های روستایی شهرستان ساوه از منظر میزان محرومیت با استفاده از گزینه یا شاخص موزون موریس انجام داده است که در نتیجه این پژوهش می‌گوید سطح توسعه‌یافتگی شهرستان ساوه در بخش‌های مختلف متفاوت است که در بخش زیادی از ده‌ها شهرستان ناهید از نگاه رتبه‌بندی توسعه‌یافتگی در سطح اول و دهستان شاهسون‌کندی در سطح پایین قرار دارد.

ایزد خواستی (۱۳۹۸) نحوه تخصیص اعتبارات سرمایه استانی در ایران را با رویکرد برابری محور و کارایی محور در دوره (۱۳۸۴-۱۳۹۵) بررسی نموده است. نتایج حاصله ایشان بیان‌گر این است که افزایش اعتبارات هزینه دولت باعث کاهش اعتبارات سرمایه استانی شده است، همچنان تخصیص اعتبارات سرمایه‌ای استانی کارایی محور بوده و بیشتر به استان‌هایی تخصیص می‌یابد که تولید بالایی داشته است و همچنان نابرابری در تولید منطقه‌ای اثر منفی بر تخصیص اعتبارات سرمایه دولت داشته است و تخصیص اعتبارات سرمایه استانی برابر محور نیست.

وفایی بکیانی و همکاران (۱۳۹۸) به بررسی رابطه بودجه و رشد اقتصادی استان‌های کشور با لحاظ توزیع اعتبارات بین استانی را با استفاده از رویکرد رگرسیون برداری پانلی (Panel VAR) مورد پژوهش قرار داده و نتایج به دست آمده ایشان بیان‌گر این موضوع بوده است که اعتبارات تخصیص یافته‌ای بودجه‌ای به

<sup>1</sup> Vikore

<sup>2</sup> Morisse

هر استان تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی آن استان داشته است و سبب کاهش مهاجرت در استان‌های هم‌جوار شده است.

کواک و دیمینی<sup>۱</sup> (۱۹۸۷) یک مدلی را تحت عنوان برنامه‌ریزی آرمانی جهت تخصیص بودجه عملیاتی واحدهای دانشگاهی کشور امریکا طراحی و اجرا کردند.

کواک و لی<sup>۲</sup> (۱۹۹۷) مدل برنامه‌ریزی آرمانی را به‌منظور تخصیص بهینه منابع انسانی در بخش بهداشت و سلامت مورد استفاده قرار دادند.

رومانو و اوکوارا<sup>۳</sup> (۲۰۰۰) در مقاله‌ای تحت عنوان تخصیص منطقه‌ای سرمایه‌گذاری عمومی کارایی یا تساوی. اثر سرمایه‌گذاری عمومی را بر اقتصاد در ۴۸ استان‌هایی از جاپان از روش داده‌هایی سری زمانی در دوره (۱۹۹۴ - ۱۹۷۰) را مورد بررسی قرار داده‌اند که نتایج پژوهش ایشان نشان می‌دهند سیاست که روی تخصیص بودجه مؤثر است بر این اساس است که اول استان‌هایی که دارای GDP بالاترند سرمایه بیشتری به آن‌ها تعلق بگیرند زیرا بهره‌وری نهایی سرمایه در استان‌ها افزایش می‌یابد. در حالی که این موضوع در استان‌های کمتر توسعه‌یافته کاهش پیدا کرده است.

فوزارد<sup>۴</sup> (۲۰۰۱) پژوهش خود را با عنوان (مسائل اصلی در بودجه‌بندی روش تخصیص منابع در بخش عمومی و پیامدهای آن برای بودجه‌بندی برای قشر کم‌درآمد) انجام داده است؛ و مسئله پژوهش ایشان چه مقدار هزینه‌های عمومی می‌بایست برای هدف توزیع مجدد صرف گردد و چگونه این منابع بین جامعه توزیع شود. از نظر فوزارد این مسئله باید از روش سیاسی حل شود، این مسئله بستگی به این موضوع دارد که سیاست‌گذاران جدی به قضاوت بپردازند و تا پرداخت‌کنندگان مالیات آماده پرداخت هزینه‌های توزیع مجدد گردد.

والنتیو<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۰۵) در بررسی تخصیص بودجه فدرال در ایالات امریکا از ۱۹۸۲ - ۲۰۰۰ نقش رییس جمهور را در ۴۸ ایالت متحده امریکا مورد بررسی قرار دادند. نتیجه پژوهش آن‌ها این است که تخصیص بودجه فدرال تحت تأثیر سیاست‌های رییس جمهور است؛ و نقش رویکرد سیاست محور (تاکتیکی) اثرگذار است.

عزیز و شریف<sup>۵</sup> (۲۰۰۵) در مطالعه تجربی که داشتند مدل برنامه‌ریزی آرمانی را برای برنامه‌ریزی و تخصیص پرستاران در عربستان مورد استفاده قرار دادند.

<sup>1</sup> Kwak and diminie

<sup>2</sup> Romano and Ohkwarra

<sup>3</sup> Fozard

<sup>4</sup> Valentio And All

<sup>5</sup> Aziz and sharif

وی و ووادر سال (۲۰۰۷) برای تخصیص بهینه منابع در صنعت حمل‌ونقل در تایوان از مدل ترکیبی مبتنی بر تحلیل سلسله مراتبی و برنامه‌ریزی آرمانی استفاده نمودند.

لسمن کاسلر<sup>۱</sup> (۲۰۰۹) پژوهشی را بر مبنای عنوان توزیع بودجه برنامه‌ریزی منطقه‌ای با استفاده از اطلاعات بین کشورها و با استفاده از روش داده‌های پانل در کشورهای OECD را از سال ۱۹۸۰-۲۰۰۰ بررسی نمودند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که توزیع بودجه باهدف برابر سازی سطح زندگی و تقویت قدرت مالی مناطق فقیر و محروم می‌گردد و همچنان عدم توزیع عادلانه باعث مهاجرت مردم از مناطق کم درآمد به مناطق پردرآمد می‌گردد و همچنین رابطه مثبت بین انتقالات درون منطق‌هایی و نابرابری منطقه‌ای وجود دارد.

حسن و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهش خود به ارائه مدل برنامه‌ریزی آرمانی کلکسیکو گرافیک که جهت تخصیص بودجه به چندین هدف متفاوت و متضاد پرداختند، در پژوهش ایشان روی سه عامل تمرکز شده که مراکز و زمینه‌های پژوهشاتی، هزینه کتاب‌ها و مدارکی که قبلاً بحث شده است نتیجه این پژوهش می‌گوید که اولویت‌ها همگی به‌دست‌آمده است و ساختار موجود برای تخصیص بودجه موفق می‌باشد.

دن دن و دیسموند (۲۰۱۳) در مقاله‌ای به تخصیص بودجه به دانشگاهی در ایالت ایمو به اسم دانشگاه اووری، با استفاده از الگوی برنامه‌ریزی آرمانی پرداختند، در مقاله ایشان پنج سوال یا هدف در نظر گرفته شده است که عبارت‌اند از افزایش هزینه‌های شخصی، کاهش هزینه سربار، افزایش مخارج سرمایه‌ای، افزایش درآمد و کاهش بودجه کل. نتایج حاصله نشان‌دهنده این موضوع است که با بهینه شدن تابع هدف اهداف دوم و چهارم که هزینه‌هایی سربار و درآمد هستند، برآورده نمی‌شوند.

دوزویچ<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۸) به بررسی بین اعتبارات و مخارج بودجه‌ای دولت و رشد اقتصادی در کشورهای اروپایی پرداختند، در این پژوهش از روش پانلی استفاده شده و نتایج این پژوهش بیانگر این موضوع است که مخارج جاری و اعتبارات بودجه دولت برای ۸ کشور اروپایی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی داشته است.

در ادامه امور، بخش‌ها و زیر بخش‌های مورداستفاده بر اساس قانون متوازن کشور ارائه شده است:

<sup>1</sup> Wey and Wu

<sup>2</sup> Less man and Kasler

<sup>3</sup> Dudzevicitve

جدول ۱. امور، بخش‌ها و زیر بخش‌های مورد استفاده بر اساس قانون متوازن کشور.  
منبع: دستورالعمل اجرایی قانون بودجه کشور در سال ۱۳۹۸

زیر بخش‌ها	بخش‌ها	امور
آب و فاضلاب	آب	زیربنایی
منابع آب		
حمل و نقل	حمل و نقل	
عمران شهری و روستایی		
آب و فاضلاب	عمران شهری و روستایی	
عمران شهری و روستایی		
انرژی	نرخ بیکاری	اقتصادی
صنعت و معدن		
کاهش آلودگی		
کشاورزی		
آموزش عالی	آموزش عالی	اجتماعی و فرهنگی
پژوهش‌های پایه		
پژوهش‌های توسعه		
پژوهش و توسعه		
	آموزش پرورش	
	بهداشت و درمان	
دین و مذهب	فضای فرهنگی	
رسانه		
فرهنگی و هنر		
گردشگری		
میراث فرهنگی	فنی حرفه‌ای	
حمایت حوزه ورزشی	ورزشی	
ورزش و تفریحات		

## ۳. روش پژوهش

موضوع اصلی این پژوهش تخصیص اعتبارات است که درصد ارائه الگویی می‌باشد که بتواند با استفاده از این پژوهش توازن را در استان‌ها ایجاد کند. در پژوهش حاضر با ارسال پرسشنامه به نه نفر از خبرگان با استفاده از برنامه اکسپورت چویس (EXPERT CHOICE) از تکنیک تحلیل سلسله مراتبی برای وزن دهی و تعیین میزان اهمیت شاخص‌های اعتبارات قانون استفاده متوازن از امکانات کشور به استان‌ها تخصیص داده می‌شود تا اعتبارات طوری تخصیص یابد که در استان‌ها توازن ایجاد گردد.

**روش سلسله مراتبی AHP:** در بسیاری از پژوهشات انجام شده گاهی برای انتخاب یک گزینه از میان چندین گزینه اهمیت یک شاخص نسبت به شاخص دیگر بیشتر است. لذا برای وزن دهی شاخص‌ها و تفکیک شاخص با اهمیت نیاز به وزن دهی شاخص‌ها است.

این فن یکی از فن‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه است که برای ما از میان چند گزینه و معیاری را تصمیم‌گیری و انتخاب می‌کند. برای بار اول در سال (۱۹۸۰ م) این روش را توماس آل ساعتی عراقی الاصل ابداع کرد که از این روش زمانی استفاده می‌گردد که تصمیم‌گیری با چند گزینه رقیب و معیار متفاوت روبرو است؛ که معیارها یا گزینه‌ها می‌تواند کمی یا کیفی باشد که با فراهم آوردن درخت سلسله‌مراتب تصمیم، کار را آغاز می‌کند این روش با استفاده از مقایسات زوجی انجام می‌شود. تصمیم‌گیرنده با استفاده از درخت سلسله‌مراتب تصمیم کار خود را شروع می‌کند که این درخت عامل‌های مورد مقایسه و گزینه رقیب را ارزیابی می‌کند و تصمیم را نشان می‌دهد.

فرآیند کار در AHP به قرار ذیل است:

الف. روش حداقل مربعات

ب. روش حداقل مربعات لگاریتمی

ج. روش بردار ویژه

د. روش بردار حاصل از پایداری وزن‌ها بر اساس زنجیره مارکف (آذر، ۱۳۷۵)

ه. روش‌های تقریبی

که بعد از طی فرآیند فوق وزن‌هایی نسبی محاسبه می‌گردد. در مقایسه زوجی اول مجموع هر ستون محاسبه و بعد ماتریس با تقسیم هر درایه بر مجموع ستون متناظرش نرمال می‌گردد، در آخر میانگین درایه‌هایی هر سطر از ماتریس نرمال شده به‌عنوان وزن دهی نسبی هر معیار محاسبه می‌گردد.

#### ۴. یافته‌های پژوهش

در پژوهش انجام‌شده سه امور زیر بنایی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و هم چنان امور به ده بخش و بخش‌ها به تعداد بیست‌ویک زیر بخش تقسیم می‌گردد، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و وزن دهی به هر گزینه از روش AHP استفاده شده است.

در جدول‌های زیر درجه اهمیت یا وزن‌های امور، بخش‌ها و زیر بخش‌ها که توسط پرسشنامه از نه نفر خبرگان به دست‌آمده شامل شش نفر مرد و سه نفر زن که دارای مدرک دکتری و کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، با استفاده از برنامه (Expert choice) بدست آمده نشان داده شده است. ضریب سازگاری ۰.۰۲ برای هر سه امور، برای پرسشنامه امور زیر بنایی ضریب سازگاری آن ۰.۰۳، برای امور اجتماعی- فرهنگی ضریب سازگاری ۰.۰۴/ محاسبه شده است که نشان می‌دهد پرسشنامه از دید خبرگان دارای سازگاری است.

#### جدول ۲. درجه اهمیت به دست‌آمده از پرسشنامه توسط خبرگان امور زیر بنایی

وزن	زیر بخش	وزن	بخش	وزن امور	امور
۰.۲۹۲	آب و فاضلاب	۰.۵۹۳	آب	۰.۳۹۶	زیر بنایی
۰.۷۰۸	منابع آب				
۰.۴۲۱	حمل و نقل	۰.۱۹۹	حمل و نقل		
۰.۵۷۱	عمران شهری و روستایی				
۰.۴۳۷	آب و فاضلاب	۰.۲۰۸	عمران شهری و روستایی		
۰.۵۶۳	عمران شهری و روستایی				

در جدول فوق امور زیر بنایی نسبت به امور دیگر بنا به بیشترین وزن دریافت شده توسط خبرگان، بیش‌ترین اهمیت را در تخصیص اعتبارات یا بودجه به خود اختصاص داده است. اگر دولت بخواهد بودجه را با استفاده از شاخص‌های موجود در استان‌ها طوری تخصیص دهد که توازن در بین استان‌های کشور در نظر گرفته شود با توجه به وزن‌های موجود شاخص‌ها، بیشترین وزن یا درجه اهمیت را امور زیر بنایی خواهد داشت.

#### جدول ۳. درجه اهمیت به دست‌آمده از پرسشنامه توسط خبرگان امور زیر بنایی

وزن	زیر بخش	وزن	بخش	وزن امور	امور
۰.۱۹۳	انرژی	۱	نرخ بیکاری	۰.۴۳۸	اقتصادی
۰.۳۳۶	صنعت و معدن				
۰.۹۴	کاهش آلودگی				
۰.۳۷۷	کشاورزی				

در جدول فوق امور اقتصادی بعد از امور زیر بنایی از لحاظ درجه اهمیت در رتبه دوم قرار دارد. اگر دولت بخواهد اعتبارات را بین استان‌ها با استفاده از شاخص‌های موجود تخصیص دهد امور فوق در رتبه دوم قرار خواهد گرفت.

#### جدول ۴. درجه اهمیت به‌دست‌آمده از پرسشنامه توسط خبرگان امور اجتماعی و فرهنگی

وزن	زیر بخش	وزن	بخش	وزن امور	امور
۰ ۳۲	آموزش عالی	۲۳۷	آموزش عالی	۰ ۱۴۴	اجتماعی و فرهنگی
۰ ۲۲۹	پژوهش‌های پایه				
۰ ۱۵۶	پژوهش‌های توسعه				
۰ ۲۹۵	پژوهش و توسعه				
		۰ ۲۴	آموزش و پرورش		
		۰ ۱۷۲	بهداشت و درمان		
۰ ۲۵	دین و مذهب	۰ ۷۹	فضایی فرهنگی		
۰ ۱۸	رسانه				
۰ ۲۹۴	فرهنگی و هنر				
۰ ۱۵	گردشگری				
۰ ۱۳۵	میراث فرهنگی				
		۰ ۱۸۵	فنی و حرفه‌ای		
۰ ۶۳۹	حمایت حوزه ورزشی	۰ ۸۴	ورزشی		
۰ ۳۶۱	ورزش و تفریحات				

در جدول فوق امور اجتماعی و فرهنگی از لحاظ درجه اهمیت نسبت به سایر امورها دارای رتبه پایین‌تری قرار دارد؛ و دولت اگر بخواهد اعتبارات خود را با استفاده از شاخص‌های موجود تخصیص دهد بر اساس وزن و ضرایب موجود اختصاص داده می‌تواند انجام دهد.

در ادامه در جدول‌های زیر درجه اهمیت ابتدا بر اساس توزیع بودجه واقعی سال ۱۳۹۸ به‌دست‌آمده و سپس درجه اهمیت به‌دست‌آمده از روش AHP با درجه اهمیت امور از درجه اهمیت تخصیص بودجه سال ۱۳۹۸ در جدول زیر مقایسه شده و تفاوت‌های امور، بخش‌ها و زیر بخش‌ها مشخص شده است.

## جدول ۵. مقایسه درجه اهمیت به‌دست‌آمده از روش AHP و پرسشنامه، امورها

امور	وزن به‌دست‌آمده از روش AHP	وزن واقعی بودجه سال ۱۳۹۸	تفاوت وزن به‌دست‌آمده از AHP و بودجه تخصیص داده شده واقعی سال ۱۳۹۸
زیر بنایی	۰.۳۹۶	۰.۶۷	۰.۲۷-
اقتصادی	۰.۴۳۸	۰.۰۱	۰.۴۲
اجتماعی و فرهنگی	۰.۱۶۶	۰.۳۲	۰.۱۶-

همانطوری که در جدول بالا مشاهده می‌گردد، تفاوت درجه اهمیت به‌دست‌آمده امور زیر بنایی از روش AHP یا بر اساس نظریات خبرگان با درجه اهمیت به‌دست‌آمده امور اقتصادی بودجه تخصیص داده شده واقعی، در سال ۱۳۹۸ به اندازه عدد (۰.۴۲) مقدار بیشتری از بودجه نسبت به نظریات خبرگان تخصیص داده شده است؛ و هم چنان در امور زیر بنایی، اجتماعی و فرهنگی، تفاوت تخصیص بودجه واقعی در سال متذکره نسبت به نظریه خبرگان به قرار جدول فوق می‌باشد که توضیح داده شده است. تفاوت درجه اهمیت به‌دست‌آمده از روش AHP و نظریه خبرگان در بخش‌ها نیز بررسی شده که در جدول زیر نشان داده شده است.

## جدول ۶. مقایسه درجه اهمیت به‌دست‌آمده از روش AHP، پرسشنامه، بخش‌ها

امور	بخش‌ها	وزن به‌دست‌آمده از روش AHP	وزن واقعی تخصیص بودجه سال ۱۳۹۸	تفاوت وزن به‌دست‌آمده از AHP و بودجه تخصیص داده شده واقعی سال ۱۳۹۸
زیر بنایی	آب	۰.۵۹۳	۰.۲۸	-۰.۳۱
	حمل و نقل	۰.۱۹۹	۰.۳۶	-۰.۱۶
	عمران شهری و روستایی	۰.۲۰۸	۰.۰۰۳	-۰.۱۸
اقتصادی	نرخ بیکاری	۱	۰.۰۱	۰.۹۹
	آموزش عالی	۰.۲۳۷	۰.۱۲	۰.۱۱



اجتماعی و فرهنگی	آموزش و پرورش	۰ ۲۴۳	۰ ۰۱	۰,۲۴
	بهداشت و درمان	۰ ۱۷۲	۰ ۱۲	-۰,۰۵
	فضایی فرهنگی	۰ ۰۷۹	۰ ۰۴	-۰,۰۴
	فنی و حرفه‌ای	۰ ۱۸۵	۰ ۰۱	-۰,۱۷
	ورزشی	۰ ۰۸۴	۰ ۰۲	-۰,۰۷

جدول بالا نشان می‌دهد که میزان تخصیص بودجه در سال ۱۳۹۸ نظر به دریافت درجه اهمیت از AHP که توسط خبرگان داده شده است، تفاوت درجه اهمیت آنها، در امور زیر بنایی (۰ ۲۷-) و در بخش‌های آب (۰ ۳۲-) و بخش حمل و نقل (۰ ۱۶-) و در بخش عمران شهری و روستایی (۰ ۱۸-) می‌باشد. درجه اهمیت یا وزن بخش‌ها تنها در بخش نرخ بیکاری در امور اقتصادی تغییر نکرده است، چون دارای یک بخش می‌باشد.

در امور اجتماعی و فرهنگی درجه اهمیت بخش‌ها با تفاوت‌هایی میان درجه اهمیت از نظر بودجه تخصیص داده شده و نظریه خبرگان در سال متذکره، برحسب ذیل می‌باشد. در بخش آموزش عالی (۰,۱۱)، در بخش آموزش و پرورش (۰ ۲۴)، در بخش بهداشت و درمان (۰ ۰۵)، در بخش فضایی فرهنگی (۰ ۰۴-)، در بخش فنی و حرفه‌ای (۰ ۱۷) و در بخش ورزشی (۰ ۰۷) تفاوت وجود دارد.

در ادامه تفاوت زیر بخش‌ها میان درجه اهمیتی که از صاحب‌نظران یا خبرگان به دست آمده است را با بودجه تخصیص داده شده ارائه شده است.

جدول ۷. مقایسه درجه اهمیت به دست آمده از روش AHP، پرسشنامه، زیر بخش‌ها

امور	بخش‌ها	زیر بخش‌ها	وزن به دست آمده از روش AHP	وزن واقعی بودجه سال ۱۳۹۸	تفاوت وزن به دست آمده از AHP و بودجه تخصیص داده شده واقعی سال ۱۳۹۸
زیربنایی	آب	آب و فاضلاب	۰.۲۹۲	۰.۱۴	۰.۱۵۹
		منابع آب	۰.۷۰۸	۰.۱۸	۰.۵۱۹
	حمل و نقل	حمل و نقل	۰.۴۲۱	۰.۴۱	۰.۰۱
		عمران شهری و روستایی	۰.۵۷۹	۰.۰۱	۰.۰۵۷
	عمران شهری و روستایی	آب و فاضلاب	۰.۴۳۷	۰.۰۱	۰.۴۳
		عمران شهری و روستایی	۰.۵۶۳	۰.۰۳	۰.۵۴
اقتصادی	نرخ بیکاری	انرژی	۰.۱۹۳	۰.۰۱	۰.۱۸
		صنعت و معدن	۰.۳۳۶	۰.۰۰۲	۰.۳۳
		کاهش آلودگی	۰.۰۹۴	۰.۰۰۱	۰.۰۹
		کشاورزی	۰.۳۳۷	۰.۰۰۳	۰.۳۷
اجتماعی و فرهنگی	آموزش عالی	آموزش عالی	۰.۳۲	۰.۱۲	۰.۲
		پژوهش‌های پایه	۰.۲۲۹	۰.۰۰۳	۰.۲۳
		پژوهش‌های توسعه	۰.۱۵۶	۰.۰۲۳	۰.۱۳
		پژوهش و توسعه	۰.۲۹۵	۰.۰۰۱	۰.۲۹
	فضای فرهنگی	دین و مذهب	۰.۲۵	۰.۰۱	۰.۲۴
		رسانه	۰.۱۸	۰.۰۰۴	۰.۱۸
		فرهنگی و هنر	۰.۲۸۵	۰.۰۱۶	۰.۲۸
		گردشگری	۰.۱۵	۰.۰۰۰۹	۰.۱۵
		میراث فرهنگی	۰.۱۳۵	۰.۰۱۶	۰.۰۲
	ورزشی	حمایت حوزه ورزشی	۰.۶۳۹	۰.۰۰۱	۰.۶۴
ورزش و تفریحات		۰.۳۶۱	۰.۰۱۸	۰.۳۴	

در جدول فوق درجه اهمیت زیر شاخص‌های حاصل بودجه تخصیص داده شده را به نسبت کوچک‌تر بودن اعدادشان از درجه اهمیت‌های حاصله از AHP کم نموده تا تفاوت میان این دو مشخص گردد.

## ۵. نتیجه‌گیری

محرومیت از تفاوت دسترسی به امکانات، خدمات و رفاه افراد جامعه ناشی می‌شود که ریشه در عدم تعادل منطقه‌ای دارد و رسیدن به تعادل منطقه‌ای، هدف برنامه‌ریزی منطقه‌ای بوده که مقوله محرومیت و محرومیت‌زدایی را در بطن خود دارد. تحقق عدالت اجتماعی از طریق تقسیم مناسب منابع و امکانات عمومی میان مناطق (استان‌ها و شهرستان‌ها)، یکی از اهداف برنامه‌های توسعه اقتصادی کشور است. از مدت‌ها پیش، اختلاف بین استان‌ها و شهرستان‌های برخوردار و غیر برخوردار وجود داشته است که همواره مباحثی راجع به آن‌ها، توسط صاحب‌نظران عنوان شده است؛ اما در دهه اخیر به‌خصوص پس از انقلاب، علاقه‌مندی گسترده برای شناسایی این اختلاف‌ها و راه‌حلی برای برطرف کردن آن، به وجود آمده است؛ زیرا تداوم تفاوت‌های عمده اقتصادی بین استان‌ها و شهرستان‌ها در درازمدت، اثرات مخربی بر اقتصاد ملی به جا می‌گذارد. شاید بتوان یکی از دلایل اصلی اختلاف سطح زندگی مردم در بعضی از مناطق نسبت به مناطق دیگر را، اتخاذ سیاست‌ها و روش نامناسب برنامه‌ریزی و تخصیص نامناسب منابع و امکانات دانست (اربابیان و دیگران، ۱۳۹۴).

به همین دلیل ارتقاء سطح مناطق کمتر توسعه در قالب قانون استفاده متوازن از امکانات کشور در مجلس شورای اسلامی تصویب شد با این هدف که فاصله شاخص‌های برخورداری شهرستان‌های کمتر از سطح متوسط کشور در شاخص‌های زیر، سالانه حداقل ۱۰ درصد به سطح متوسط کشوری نزدیک شود. بدین منظور دولت مکلف است ۳ درصد از اعتبارات بودجه عمومی دولت را در قالب ردیف مشخص تحت همین عنوان تعیین کند و طی جدولی که در آن، اسم هر استان بر اساس شاخص‌های نرخ بیکاری، آب شرب شهری و روستایی، آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، بهسازی روستاها، راه و زیرساخت‌های جاده‌ای، سرانه‌های عمران شهری و درآمد شهرداری‌ها مشخص می‌گردد، در قانون بودجه درج نماید. سهم هر شهرستان برای بهبود شاخص‌های مذکور همراه با دستورالعمل توزیع پروژه‌ها و طرح‌های موارد فوق، هم‌زمان با ابلاغ اعتبارات استانی توسط معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور به استان ابلاغ می‌شود تا با تصویب کمیته برنامه‌ریزی شهرستان به طرح‌ها و پروژه‌های موضوع شاخص‌های فوق اختصاص یابد؛ بنابراین این سؤال مطرح شد که بر اساس چه الگویی اعتبارات موجود را دولت در استان‌ها تخصیص دهد تا در بین استان‌ها توازن برقرار گردد؟

ابتدا با تعیین ایجاد پرسشنامه و ارسال آن به خبرگان با استفاده از روش AHP و استفاده از برنامه (Expert choice) و با توجه به یافته‌های پژوهش و دریافت درجه اهمیت امور بخش‌ها و زیر بخش‌ها،

از نظر خبرگان، امور اقتصادی نسبت به سایر امورها، دارای بیشترین وزن یعنی (۰/۴۳۸) از لحاظ درجه اهمیت و هم چنان امور زیر بنایی با وزن (۰/۳۹۶) در رتبه دوم و امور اجتماعی و فرهنگی با وزن (۰/۱۶۶) از لحاظ درجه اهمیت در رتبه سوم یا آخر قرار دارد. وهم چنان با استفاده از توزیع بودجه در سال (۱۳۹۸) نیز مشخص شد که درجه اهمیت یا وزن امور، بخش‌ها و زیر بخش‌ها به چه میزان است و این وزن‌ها باهم در مبحث یافته‌های پژوهش مقایسه شده‌اند؛ که میزان تفاوت بین امور زیر بنایی در تخصیص بودجه و وزن به‌دست‌آمده از روش AHP، (۲۷-۰-)، تفاوت وزن به‌دست‌آمده در امور اقتصادی (۴۲-۰) و تفاوت در امور اجتماعی فرهنگی (۱۶-۰) می‌باشد.

بنابر نتایج و یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌گردد که با توجه به تفاوت میان توزیع بودجه در امور، بخش‌ها و زیربخش‌ها بر اساس واقعیت و نظر خبرگان، اگر دولت توزیع اعتبارات را با توجه به درجه اهمیت پژوهش حاضر که توسط خبرگان به‌دست‌آمده، به استان‌ها با اولویت امور زیربنایی و اقتصادی اختصاص دهد نابرابری بین استان‌ها کاهش یافته و توازن در استان‌ها ایجاد می‌گردد.

## منابع

- ایزدخواستی، حجت. (۱۳۹۸). تحلیل الگوی تخصیص اعتبارات سرمایه‌های استانی در ایران: رویکرد کارایی محور و برابری محور فصلنامه مطالعات و سیاست‌های اقتصادی، ۱۱، ۱۳۱-۱۵۴.
- ایزدخواستی، حجت. (۱۳۹۷). بررسی نابرابری در تخصیص اعتبارات بودجه استانی و تأثیر آن بر نابرابری درآمدی منطقه‌ای در ایران. فصلنامه اقتصادی، ۷۵، ۳۹-۷۰.
- جمشیدی و همکاران. (۱۳۹۶). درجه تأثیرگذاری سهم بخش کشاورزی بر توزیع بودجه عمران استانی: کاربرد رگرسیون فضایی. نشریه اقتصاد و توسعه کشاورزی، ۳۱(۲)، ۱۴۸-۱۳۶.
- دادخواه، ویدا؛ صمدی، علی حسین؛ منتخب، افشین؛ هادیان، ابراهیم. (۱۳۹۸). بودجه آنتروپی در اقتصاد ایران: کاربرد از اقتصاد فیزیک. پژوهشنامه اقتصاد کلان دانشگاه مازندران، ۱۵(۲۹).
- رجبی، احمد. (۱۳۹۱). برنامه‌ریزی آرمانی، رویکردی اثربخش در بودجه‌ریزی و تخصیص بهینه منابع مالی. فصلنامه حسابداری سلامت، ۱(۲)، ۱-۱۶.
- رمضان‌زاده، سعید؛ شوقی، محمود؛ صالحی، حسن. (۱۳۹۸). مدل تخصیص بهینه بودجه نگهداشت آماد و پشتیبانی ناجا. مجله توسعه مدیریت منابع انسانی و پشتیبانی، ۵۳، ۴۱-۵۹.
- سیدرضائی، میریعقوب؛ پورعزت، علی اصغر؛ سعد آبادی، علی اصغر. (۱۳۹۶). ملاحظات نظام بودجه‌بندی در راستای تحقق عدالت منطقه‌ای. چشم‌انداز مدیریت دولتی، ۲۹، ۷۱-۹۳.
- قاسمی محمدرضا، اربابیان شیرین، معینی شهرام، سلیمی بهاره. (۱۳۹۴). نحوه توزیع بودجه تملک دارایی‌های سرمایه‌ای در بین استان‌های ایران (۱۳۹۰-۱۳۷۹). فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، ۲۰(۱)، ۶۶-۳۷.

- فضلی، هادی؛ عرب مازار، عباس. (۱۳۹۵). تخصیص بهینه استانی بودجه: رویکرد مدل برنامه‌ریزی آرمانی. فصلنامه نظریه‌های کاربردی اقتصاد، ۳(۳)، ۱۳۳-۱۵۲.
- فهیمی فرد و همکاران. (۱۳۹۵). مدل‌سازی توزیع بهینه بودجه بخش کشاورزی در استان خراسان رضوی. نظریه اقتصاد و توسعه کشاورزی، ۳۰(۲)، ۹۷-۱۰۶.
- محسن‌پور، رباب؛ محمدی نژاد، امیر؛ مقدسی، رضا. (۱۳۹۴). اولویت‌بندی و تخصیص بهینه اعتبارات بانک کشاورزی به تفکیک استان‌ها. اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۱۰۰.
- محمدزاده، اعظم؛ شهیکی تاش، محمدنبی؛ اکبری، فریده. (۱۳۹۶). تحلیل اقتصاد سیاسی از الگوی فضایی تخصیص هزینه‌هایی جاری و تملک دارایی‌هایی سرمایه‌ای در استان ایران. فصلنامه مجلس و راهبرد، ۲۴(۸۹).
- منظری حصار، محقر. (۱۳۸۴). بکارگیری الگویی برای تخصیص اعتبارات محرومیت‌زدایی. برنامه و بودجه، ۹۱، ۶۹.
- وفائی بکیانی، حبیب‌اله؛ مشهدی احمدی، محمود؛ مهرآرا، محسن. (۱۳۹۸). بررسی رابطه بودجه و رشد اقتصادی استان‌های کشور با لحاظ توزیع اعتبارات بین استانی. فصلنامه مدل‌سازی اقتصادسنجی، ۴(۲)، ۳۲-۹.
- یوسفی و همکاران. (۱۳۹۴). طراحی مدل حکمرانی خوب بر اساس نامه مالک اشتر و مقایسه آن با اصول حکمرانی خوب بانک جهانی. فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۱۵(۵۷).
- Cos tels, A., & Sole- olle, A. (2005). The Regional Allocation of Infrastructure Investment; The Role of Equity Efficiency and Political factors. *Journal of European Economic*, 1205 - Review. 49, 116.
- Dudzeviciute, G., Simelyte, A., & Liucvaitiene, A. (2018). Government expenditure and economic growth in the European Union countries, *International Journal of Social Economics*, 45(2), 372-386.
- Dix it, A., & Londergan, J. (1998). Ideology, tactics and efficiency in red distributive politics. 529 - *The Quarterly Journal of Economics* , 113(2), 497.
- Lessmann, C., & Kasler, A. (2009). Fiscal Decentralization and Regional Disparity in OECD Countries: Evidence from Cross section and Panel Data, *Environment and Planning A*, 51, 2455-2473.
- Les smann, C., & Kasler, A. (2009). Interregional Redistribution and Regional Disparities How Equalization does (not) Work. Annual Conference of the German Economic Association. Retrieved from: <http://econpaper.repec.org>.
- Valentino, L., Rizzo, L., & Testa, C. (2006). Allocation the US; the Federal Budget to the States the Impact of the President. *London School of Economics and Political Science* 459 - University. 68, 447.

Ya mano, N., & Ohkawara, T. (2000). The Regional Allocation of Public Investment; 205 - Efficiency or Equity? Journal of Regional Science.40(2), 229.

